



پروژیکٹ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مسئله

در تعالیم پیامبر اکرم و ائمه طاهرين(ع) بر تلاوت دو سوره پی در پی تأکید شده (ابوداود، ۵۴۳/۲؛ طبرسی، ۸۲۷/۱۰) یا به اشتراک مضمونی آن دو اشارت رفته (برقی، ۹۵/۱-۹۶) یا عنوان مشترکی بر آن دو نهاده شده است. رسول خدا دو سوره بقره و آل عمران را «زَهْرَاوین» (دو سوره بسیار درخشنده)، و ناس و فلق را «مُعَوِّذَتین» (دو سوره‌ای که انسان را در پناه خدا قرار می‌دهند) نامیده‌اند و بر قرائت آن دو سفارش کرده‌اند (ابوعبید، ۲۳۵ و ۲۷۱). از مجموع این آموزه‌ها می‌توان نظریه زوجیت سوره‌های قرآن را استنباط کرد؛ یعنی سوره‌های قرآن دو به دو، زوج یکدیگرند، به جز فاتحه‌الکتاب و سوره قاف که زوج ندارند. به طور معمول میان زوج سوره‌های قرآن کریم، تناظرها، تقابل‌ها و هم‌افزایی معنایی برقرار است که دقت و تدبّر در آنها می‌تواند به شناخت بهتر و بیشتر از ساختار، مضامین و محور موضوعی هر یک از زوج سوره‌ها بینجامد.

۵۶ زوج سوره قرآن کریم در ترتیب جاودانه مصحف شریف (ترتیب تلاوت) عبارتند از: بقره و آل عمران؛ نساء و مائده؛ انعام و اعراف؛ انفال و توبه؛ یونس و هود؛ یوسف و رعد؛ ابراهیم و حجر؛ نحل و اسراء؛ کهف و مریم؛ طاه و انبیا؛ حج و مؤمنون؛ نور و فرقان؛ شعراء و نمل؛ قصص و عنکبوت؛ روم و لقمان؛ سجده و احزاب؛ سبأ و ملائکه (فاطر)؛ یاسین و صافات؛ صاد و زمر؛ مؤمن (غافر) و فصلت؛ شورا و زخرف؛ دخان و جاثیه؛ احقاف و قتال (محمد)؛ فتح و حجرات؛ ذاریات و طور؛ نجم و قمر؛ رحمان و واقعه؛ حدید و مجادله؛ حشر و ممتحنه؛ صف و جمعه؛ منافقون و تغابن؛ نساء قصری (طلاق) و تحریم؛ ملک و قلم؛ حاقه و معارج؛ نوح و جن؛ مزمل و مدثر؛ قیامت و انسان؛ مرسلات و نبأ؛ نازعات و عبس؛ تکویر و انفطار؛ مطففین و انشقاق؛

بروج و طارق؛ اعلی و غاشیه؛ فجر و بلد؛ شمس و لیل؛ ضحی و انشراح؛ تین و علق؛ قدر و بینة؛ زلزال و عادیات؛ قارعه و تکاثر؛ عصر و همزه؛ فیل و قریش؛ ماعون و کوثر؛ کافرون و نصر؛ تَبَّت (مسد) و اخلاص؛ فلق و ناس (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۱۹-۱۲۲؛ رجبی قدسی و بلندی، ۱۷۱-۲۱۱).

در این پژوهش ابتدا ساختار و مضامین دو سوره نوح و جن تبیین و نکات ظریف و مغفول آن دو کشف شده است و در ادامه به این مسأله پاسخ می‌دهد که چه پیوندهای معنایی و ساختاری میان این دو سوره برقرار است که اگر نگاهی توأمان به هر دو سوره انجام نگیرد آن آموزه‌های حاصل از این رویکرد قابل درک و دریافت نیست.

در پیشینه این مسأله می‌توان به این مقالات اشاره کرد: «عناصر انسجام متنی در سوره نوح» (پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۹، ۱۳۹۵)؛ «تحلیل روایت‌شناختی سوره نوح (ع) بر مبنای دیدگاه رولان بارت و ژرار ژنت» (پژوهش‌های ادبی - قرآنی، شماره ۱۹، ۱۳۹۶)؛ «گفتمان‌کاوی نظام زبانی سوره جن: بررسی آماری» (پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۳۳، ۱۳۹۷)؛ «بررسی نقش راهکارهای گفتمانی مستقیم و غیرمستقیم در ادبیّت سوره نوح» (پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱۷، ۱۳۹۹) در همه موارد پیش‌گفته ارتباط دو سوره نوح و جن بررسی نشده است.

۱. ساختار سوره نوح و مضامین آن

سوره نوح، هفتادویکمین سوره در ترتیب جاودانه مصحف شریف است که در مکه نازل شد (ابن‌شهاب زهری، ۴۰). این سوره در قرائت متواتر و جمهور مسلمانان ۲۸ آیه دارد، ولی در شمارش بصریان و شامیان ۲۹ آیه و در شمارش اهل حجاز ۳۰ آیه دارد (طبرسی، ۵۴۰/۱۰)؛ زیرا آنان که ۲۹ آیه شمار کرده‌اند، با وقف بر کلمه

«سواعا»، آیه ۲۳ را دو آیه در نظر گرفته‌اند؛ و آنهایی که ۳۰ آیه برشمرده‌اند، با وقف بر «فَادْخِلُوا نَاراً»، آیه ۲۵ را دو آیه فرض کرده‌اند.

وجه تسمیه این سوره به نوح، به دلیل پرداختن کلّ سوره به رسالت حضرت نوح(ع) و شیوة دعوت و تبلیغ آن حضرت است. در ترتیب آموزشی قرآن، از سوره ناس تا سوره بقره (لسانی فشارکی و غفّاری، ۱۰-۱۲۲؛ رجبی قدسی و مرادی، ۲۵-۲۱۷) نخستین سوره‌ای است که به نام یک پیامبر نام‌گذاری شده و همة سوره به او اختصاص دارد. از آنجا که حضرت نوح(ع) نخستین پیامبر خداست (ابن ابی عاصم، ۱/۱۷۸-۱۷۷؛ نهج‌البلاغه، خطبة ۱؛ رجبی قدسی و ضیاء قریشی، ۹۵-۱۱۶) قرار گرفتن آن در کنار سوره جنّ که مضامین آن به بعثت و رسالت خاتم پیامبران ناظر است، شایان دقت و توجّه فراوان است.

سه سوره کوثر، قدر و فتح نیز همانند سوره نوح با «إِنَّا» آغاز می‌شوند که این سرآغاز مشترک، این چهار سوره را در یک گروه قرار می‌دهد (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۰۷). سوره نوح به دو واحد موضوعی (رکوع) تقسیم شده است؛ واحد موضوعی اول: آیات ۱ تا ۲۰، و واحد موضوعی دوم: آیات ۲۱ تا ۲۸ (منسوب به ابن مهران نیشابوری، ۴۶۹؛ ایجی، ۴/۳۷۷). رکوع نخست به محدوده رسالت حضرت نوح(ع)، محتوای دعوت و شیوة تبلیغ ایشان پرداخته است.

۱-۱. رسالت حضرت نوح(ع)، منطقه‌ای یا جهانی

فراز نخست آیه ۱: «إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ» (و نیز نک: اعراف / ۵۹: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ») بیان‌گر آن است که قوم حضرت نوح(ع) همة مردم در سرتاسر جهان نبوده‌اند و دعوت و رسالت او همانند دیگر پیامبران الهی محدود به منطقه خاصی بوده

است؛ بنابراین، سیل و طوفانی که به عنوان عذاب بر سر قوم نوح آمد (قمر/ ۱۱-۱۲؛ عنکبوت/ ۱۴)، جهانی نبود و فقط منطقه دعوت حضرت نوح(ع) را دربرگرفت و تنها مجرمان قوم نوح را در همان منطقه از بین برد (سبحانی، ۷۴/۳؛ معرفت، ۳۲-۳۸؛ خطیب، ۴۶۵/۵). در میان پیامبران الهی، فقط دعوت و رسالت خاتم پیامبران، محمد مصطفی، جهانی است و همه مردم دنیا تا قیام قیامت مخاطب پیام رحمت آفرین آن حضرت اند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ [مُحَمَّدًا] إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/ ۱۰۷)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبا/ ۲۸)؛ «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف/ ۱۵۸).

۲-۱. شیوه دعوت و تبلیغ حضرت نوح(ع)

آیات ۵ تا ۹: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا. فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا. وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرَوْا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا. ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا. ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا»، چهره بسیار مقاوم، کوشا و خستگی ناپذیر حضرت نوح(ع) را در تبلیغ و دعوت قوم خویش به سمت خداپرستی به تصویر کشیده است. حضرت نوح(ع) در گزارشی صمیمی همراه با شکواییه‌ای به درگاه الهی اعتراف می‌کند که به‌رغم آنکه شب و روز قومش را دعوت کرده، ولی دعوتش جز فرار و دوری مردم سودی نداشته است. هر بار که برای دعوت سوی مردم می‌رفت تا موجبات آمرزش آنان را فراهم کند، آنان انگشت‌های خود را در گوش‌هایشان فرو می‌بردند تا سخنان او را نشوند. هر چه نوح اصرار می‌کرد و صدایش را بالاتر می‌برد، آنان نیز مصرتر می‌شدند که چیزی از سخنان وی را نشنوند؛ از این رو لباسشان را بر سر می‌کشیدند که نوح را نبینند و غیرمستقیم به ایشان می‌گفتند که: «از تو متنفریم» (طباطبایی، ۲۹/۲۰). با اینکه نوح(ع) هرگز در آنان تواضع و خشیتی برای اینکه اندرزهای پی در پی وی را بشنوند ندید، ولی

دست‌بردار نبود و در مقابل رفتار مستکبرانه آنان تلاش می‌کرد به هر نحو و ترتیبی که شده چه آشکار و بی‌پرده و چه سرّی و مخفیانه، چه در فضاهای عمومی و چه در خلوت‌های فردی، سخنش را به گوش آنان برساند.

۳-۱. محتوای دعوت حضرت نوح(ع)

حضرت نوح(ع) خود را نذیر و منذری ویژه و ممتاز اعلام می‌کند که انذار و آگاهی‌بخشی او عبارت است از: لزوم پرستش خدا و بندگی او؛ نام و جایگاه خدا را همواره به یادداشتن و فرامین و نواهی او را رعایت کردن؛ و اطاعت و فرمانبری از نوح: «قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ. أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا» (نوح/۲-۳).

حضرت نوح(ع) انذارهای خود را با توصیه به استغفار و طلب غفران از ربّ غفّار: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً» (نوح/۱۰) ادامه داد و با آوردن مثال‌هایی از گستره ربوبیت خدا در پهنه زمین و بلندای آسمان - همچون امکان ایجاد راه‌های مختلف ارتباطی در روی زمین برای حرکت آگاهانه بر روی آن، اشاره به مراحل مختلف خلقت انسان (اطوارا) که همانند گیاهان منشأ اصلی آدمی آب و خاک است، آفرینش آسمان‌های هفتگانه و قرار دادن خورشید فروزان و ماه تابان به گونه‌ای که بتوان از آن دو برای به‌زیستن و رویاندن گیاهان بهره گرفت - قوم خود را به بهتر دیدن نعمت‌ها و جلوه‌های فراگیر ربوبیت خدا در همه عالم دعوت می‌کند تا آنان از این طریق هم عظمت و وقار خدا را درک کنند و به آن امیدوار باشند (ابن عاشور، ۱۸۷/۲۹) و هم خویشان را از لایه‌های تودرتوی طوق بندگی و بردگی بت‌ها و طاغوت‌هایی که به دروغ خود را ربّ و صاحب انسان‌ها و طبیعت جا زده‌اند رهایی بخشند: «مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً. وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً. أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً. وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجاً. وَاللَّهُ أُنَبِّتُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ

نَبَاتًا. ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا. وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا. لِيَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا» (نوح/۱۳-۲۰).

حضرت نوح(ع) به قومش اعلام کرد که اگر انذار او را بپذیرند، نتایج و آثار بسیار خوبی برای آنان به ارمغان خواهد آورد؛ از جمله: غفران ذنوب آنها (آثار و تبعات اعمالشان)؛ به تأخیر افتادن زمان رحلت آنان از دنیا به آخرت تا اجل مسمایی که خداوند آن را برای یکایک انسان‌ها مسجل کرده و هیچ تأخیری در انجام آن رخ نخواهد داد: «يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» (نوح/۴)؛ ریزش باران فراوان: «يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (نوح/۱۱)؛ و امداد و یاری با اموال و فرزندان و ساماندهی زندگی آنان با باغ‌ها و رودها: «وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح/۱۲).

با توجه به یادکرد «أَجَلٍ مُّسَمًّى» (مشخص بودن زمان زندگی هر انسانی در دنیا) در ابتدای انذار حضرت نوح(ع) و بحث خروج از زمین پس از رحلت از دنیا «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا. ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا» (نوح/۱۷-۱۸) معلوم می‌شود قوم نوح ایمان به آخرت ندارند و خدا را فقط خالق آسمان‌ها و زمین می‌دانند که نقشی در مدیریت و ربوبیت حوادث عالم ندارد؛ از این رو، به انواع شرک‌ها و شریک‌ها در کنار خدا روی آورده بودند. از منظر آنان، فرشتگان، ارواح، شیاطین، اجنه، بت‌ها، اربابان و رؤسای قبایلند که هر یک سهمی در ربوبیت و شکل‌گیری حوادث عالم دارند و سعادت و شقاوت انسان و جامعه به دست آنهاست. از این رو، وابستگی و پیوستگی به اینان است که می‌تواند مدت زندگی هر فردی در دنیا و کیفیت آن را تعیین کند. این اعتقادات نادرست زمینه بردگی و بندگی، و استخفاف و مذلت آنان را از سوی طاغوت‌ها و مستکبران فراهم می‌آورد و مردم گمان می‌کنند که رزق،

طول عمر و بهبودی شرایط زندگی‌شان با پناه بردن و تعویذ به شیاطین، اجنه و بت‌ها حاصل می‌آید و میزان ارادت و سرسپردگی آنها در برابر حاکمان و مستبدان است که زمینه برخورداری‌شان را از طول عمر و مواهب زندگی فراهم می‌کند (نک: سیّد قطب، ۳۷۱۶/۶).

۴-۱. دعوت سران قوم نوح (ع) از مردم برای دفاع از بت‌ها

واحد موضوعی دوم سوره نوح با این مطلب آغاز می‌شود که سران قوم نوح در برابر دعوت حضرت نوح (ع) بیکار نشستند و با انواع ترفندها و دسیسه‌ها، مانع آن شدند که اعتقادات مردم نسبت به الهه‌ها و بت‌های گوناگون قوم («وَدَّ» و «سُوع» و «يَعُوث» و «يَعُوق» و «نَسْر») دچار اختلال شود و مردم آنها را رها کنند: «وَمَكَّرُوا مَكْرًا كُبَارًا. وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَْعُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا» (نوح، ۲۲-۲۳).

سران قوم نوح با به رخ کشیدن اموال و فرزندان و ایل و تبارشان که جز خسارت سود دیگری برای آنان نداشت، مردم را در مسیر تبعیت و پیروی از خویش نگه داشتند: «وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا» (نوح/۲۱)؛ و به این ترتیب، نابسامانی امور مردم به سبب گسترش و تعمیق «ضاللت» و انواع آن، فزونی گرفت (فضل‌الله، ۱۳۳/۲۳-۱۳۵) و سرگردانی و پریشانی بیشتر مردم را دربرگرفت: «وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا» (نوح/۲۴).

۵-۱. نفرین ظالمان و طلب غفران برای مؤمنان

حضرت نوح (ع) پس از روبه رو شدن با این وضعیت، ضلالت بیشتر را برای ظالمان قوم خویش از خدا درخواست کرد: «وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا... وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» (نوح/۲۴ و ۲۸) و با نفرین آنان از خداوند خواست که هیچ یک از کافران را

زنده نگذارد و همه را از میان بردارد؛ زیرا زنده ماندن آنان سبب گسترش کفر و فزونی کافران می‌شود و اینان دیگر بندگان خدا را نیز به ضلالت خواهند کشاند: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا. إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح/۲۶-۲۷). منظور از «ارض» در اینجا سرزمین قوم نوح است، نه کل کره زمین. همان‌طور که در آیه ۵۵ سوره یوسف نیز مراد از ارض، سرزمین مصر است: «قَالَ: اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ» (ابن‌عاشور، ۱۹۸/۲۹). حضرت نوح(ع) از خدا برای خودش، والدینش و هر فرد مؤمنی که به منزلش وارد شود و برای جمیع مؤمنین و مؤمنات طلب غفران و آمرزش کرد: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ» (نوح/۲۸)، ولی به نظر می‌رسد برای پسر و همسرش دعا نکرد، چرا؟!!

۲- ساختار سوره جنّ و مضامین آن

سوره جنّ، هفتاد و دومین سوره قرآن در ترتیب جاودانه مصحف شریف است که در ترتیب نزول مشهور، سی و ششمین سوره پیش از یاسین، در دوران میانی مکی نازل شده است (ابن‌ضریس، ۳۳؛ ابن‌شهاب زهری، ۳۹). سوره جنّ با سوره‌های «ناس»، «قل»، «اخلاص» و «کافرون» که آنها نیز با «قل» شروع می‌شوند، هم‌گروه است؛ از این پنج سوره با تعبیر «ذات القلائل» یاد شده است (راوندی، ۸۵). محور موضوعی این پنج سوره، «اخلاص در عبادت و نفی هر گونه شرک و ربوبیت غیر خداست» که در هریک به نحوی تبیین شده است (پروازی ایزدی، ۸۰۵/۱۰). بنابراین، برخلاف تصوّر اولیه، محور موضوعی سوره جنّ، «جنّ و جنیان» نیست؛ به‌ویژه آنکه در واحد دوم سوره (آیات ۲۰ تا ۲۸) سخنی از جنیان نیست (لسانی فشارکی، ۱۳۹۷). جالب آنکه

در سوره جن که در ترتیب آموزشی قرآن (از ناس تا بقره)، پنجمین و آخرین سوره‌ای است که با «قل» شروع می‌شود، پنج بار کلمه «قل» نیز به کار رفته است (آیات ۱، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۵).

۲-۱. شیوه دعوت و محتوای تبلیغ پیامبر اکرم

سوره جن با ۲۸ آیه به دو واحد موضوعی (رکوع) تقسیم می‌شود: واحد نخست از آیه ۱ تا ۱۹ و واحد دوم از ۲۰ تا ۲۸ که هر دو قسمت (آیه ۱ و آیه ۲۰) با «قل» آغاز می‌شوند (منسوب به ابن مهران نیشابوری، ۴۷۰؛ ایجی، ۳۸۳/۴). می‌توان فهم ساختار سوره را از واحد دوم آغازید. مهم‌ترین پیامی که رسول خدا در این صحنه از رسالت‌شان به مردم صمیمانه و دوستانه اعلام کردند، این بود که من از هر گونه شرکی احتراز جسته و می‌جویم و فقط ربّ را پرستش کرده و خواهم کرد و قبل از همه، به پیامی که مبلّغ آن هستم، عامل بوده و خواهم بود: «قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا». من بشری مثل شما هستم که خداوند به من مأموریت داده است تا سخن و پیام او را کامل و بدون هیچ‌گونه سستی و کاستی به مردم ابلاغ کنم. بدانید که عصیان و سرپیچی از سخن خداوند و فرامین رسول او موجب ورود در آتش دوزخ برای مدّتی بسیار طولانی خواهد شد که مدّت و کمیت و کیفیت آن را فقط خدا می‌داند: «إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا». از این رو، رسول بودن من به معنای آن نیست که من به اختیار خودم یا به اجبار می‌توانم شما را رشد بدهم یا از ضرر و زیان‌تان جلوگیری کنم: «قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا»، رشد و پیشرفت یا خسران شما به اراده و خواست خودتان وابسته است. من فقط با ابلاغ پیام خدا و عمل به آن آگاهی‌ها لازم را در اختیارتان قرار می‌دهم و با

شما برای بندگی خالصانه خدا و به‌زیستن همیاری خواهم کرد. مخالفان و عصیانگران ملجأ و پناهی جز خدا ندارند و من نمی‌توانم کسی را از عذاب خدا امان بدهم؛ زیرا من نیز پناه و یاریگری جز خدا ندارم و اگر به آنچه ابلاغ می‌کنم، پایبند نباشم کسی نمی‌تواند مرا از آتش دوزخ برهاند: «قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا» (مکارم شیرازی، ۱۳۱/۲۵-۱۳۳).

۲-۲. ایمان گروهی از جنیان به قرآن پس از استماع آن

واحد نخست سورة جنّ با این مطلب آغاز می‌شود که در پرتو هدایت خداوند، گروهی از جنیان (بیشتر از سه و کمتر از ده) با شنیدن قرآن (سورة رحمان) از زبان پیامبر اکرم - بدون اینکه رسول خدا را ببینند و پیامبر آنان را ببینند یا متوجه حضور آنان بشود (ابن حنبل، ۱۲۹/۴) - آن را پدیده‌ای شگفت و عجیب یافتند: «قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا» و به قرآن به عنوان سخن خدا ایمان آوردند و آن را هدایت‌گر به رشد و تعالی و بازدارنده از شرک و سفاهت، و ظلم و تفرقه یافتند: «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا...».

اگر خداوند از این واقعه خبر نداده بود، رسول خدا نیز از آن بی‌خبر بود؛ بنابراین، با اینکه جنیان در روی زمین زندگی می‌کنند، ولی برخلاف اعتقاد عمومی مردم، هیچ‌گونه دخل و تصرفی در زندگی انسان‌ها ندارند (صادقی تهرانی، ۱۸۱/۲۹). چنان‌که خداوند در سورة رحمان که خطاب به انس و جنّ است، از رگه‌های آب شیرین در دل آب‌های شور خبر داده است، بدون اینکه این دو با هم ممزوج شوند: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ. بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (رحمان / ۱۹-۲۰)؛ «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَ حِجْرًا مَحْجُورًا»

(فرقان / ۵۳). در داستان سلیمان نبی (ع) نیز جنیان به اذن و فرمان خدا برای سلیمان کار می‌کردند، نه با فرمان آن حضرت؛ و حضرت سلیمان نتیجه کار آنان را می‌دید نه خود آنان را: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ ... وَمِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ» (سبا / ۱۲).

۲-۳. تقسیم جنیان به دو دسته سفیه و رشید (و صالح و ظالم، و مسلم و قاسط)
از فراز دوم آیه ۱: «فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا» تا آیه ۵، سخن جنیان است؛ چنان‌که کلمات «فَأَمَّا»، «جَدُّ رَبِّنَا»، «سَفِيهْنَا» و «أَنَا ظَنَّنَا» دلالت بر آن دارد. آیات ۸ تا ۱۲ و فراز نخست آیه ۱۳: «وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى أَمَّا بِهِ»، و ۱۴: «وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ»، ادامه سخن جنیان است (لسانی فشارکی، ۱۳۹۷). در این آیات، جنیان اعتراف می‌کنند که گروهی از ما صالح و رشید و مسلمان‌اند: «وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ» و گروهی سفیه (نابخرد و نادان) و قاسط‌اند؛ یعنی از حق و تسلیم در برابر خدا عدول کرده و منحرف شده‌اند (طوسی، ۱۵۲/۱۰): «وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهْنَا... وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ». «باور نداشتن به زندگی پس از مرگ»، علت‌العلل و منشأ شرک و سفاهت و قسط این دسته از جنیان است که موجب شده آنان از «ذکر رب» اعراض کنند و «سخن هدایت‌گران» را استماع نکنند و از آن غفلت بورزند و به انواع ظلم‌ها و تلاش‌های نافرجام روی آورند و به چیزی جز خسران و عذاب‌های سخت و ذوب‌کننده دست نیابند: «وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا».

۲-۴. استقامت و نتیجه آن

از فراز دوم آیه ۱۴ تا پایان سوره (آیه ۲۸) سخن خداست. در آیه ۱۶ و ۱۷: «وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا. لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ...» که مخاطب آن جن و انس

هستند، بیان می‌شود که استقامت بر طریقه و راه روشی که شناخته شده باشد، مایه رشد و پیشرفت انسان و توسعه و گسترش رزق او خواهد بود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف / ۹۶)؛ البته این گسترش نعمت برخی را مفتون خواهد کرد و زمینه امتحان الهی نیز خواهد بود (طباطبایی، ۴۶/۲۰). در مقابل، اعراض از ذکر خدا موجب غفلت انسان از گستره ربوبیت خدا در سرتاسر زندگی می‌شود و بستر استقامت بر طریقه حق و عدل و تسلیم در برابر فرامین خدا را از انسان سلب می‌کند، و این همه منجر به مقاومتی می‌شود که نتیجه‌ای جز عذابی روبه گسترش نخواهد داشت (فضل‌الله، ۱۵۹/۲۳-۱۶۱)، کما اینکه ظالمان و خطاکاران قوم نوح به سبب مقاومت فراوانی که برای گوش فراندادن به دعوت حضرت نوح(ع) به خرج دادند، غرق شدند و بی‌درنگ از دل آب به آتش جهنم آخرت سپرده شدند (نوح/۲۵).

۳. پیوندهای ساختاری و معنایی زوج‌سوره نوح و جن

۳-۱. پیوندهای ساختاری

هر دو سوره مکی و هر دو دارای ۲۸ آیه و دو واحد موضوعی (رکوع) می‌باشند و از دیگر اشتراکات ساختاری این دو سوره، فواصل مشترک آنهاست (مطیع، ۵۵۱/۱۸). در سوره نوح از آیه ۵ به بعد، پایانی همه آیات به «الف» = /آ/ ختم می‌شوند: «نهاراً، فراراً، چهاراً، اسراراً، غفاراً، مداراً، انهاراً و...». این روند در سوره جن در تمامی آیات آن وجود دارد: «عجباً، احداً، ولداً، شططاً، کذباً، رهقاً، شهباً، رصداً، رشداً و...».

۳-۲. پیوندهای معنایی

۳-۲-۱. مقایسه شیوة دعوت حضرت نوح(ع) با خاتم پیامبران

یکی از موضوعات قابل استنتاج از این زوج سوره آن است که می‌توان شیوة دعوت و رسالت نخستین و آخرین پیامبر خدا را در این دو سوره با یکدیگر مقایسه کرد.

حضرت نوح (ع) ۹۵۰ سال به گونه‌ای قومش را به عبادت خدا و تقوای الهی و اطاعت از خود دعوت کرد که جز عده‌ای انگشت‌شمار به او پاسخ مثبت ندادند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» (عنکبوت / ۱۴)؛ «وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (هود / ۴۰)؛ اما ۲۳ سال دعوت حکیمانه و تبلیغ مبارک پیامبر خاتم با برنامه‌ریزی همه‌جانبه («وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا»، جن / ۲۸) سبب شد که بسیاری از مردم مسلمان شوند و همه پیشرفت‌های بشری در همه مظاهر درست تمدنی تحت تأثیر کتاب و رسالت، و دعوت و آموزه‌های او و پیروان راستینش قرار دارند و همگان در همه عرصه‌های علم و دانش و اخلاق و معرفت و امدار سیره و سنت حسنه اویند و آثار رسالت او همه پهنه گیتی را مستقیم و غیر مستقیم در برگرفته است.

چرایی این اختلاف با توجه به معرفی رسول خدا به عنوان «اسوة حسنه» بسیار قابل توجه و شایان دقت فراوان است. با تدبیر در آیات و عبارات دو سوره، مضامین و آموزه‌های زیر به دست آمده است:

۳-۲-۲. دعوت مردم به اطاعت از خود یا اطاعت از خدا و رسول خدا

حضرت نوح (ع) دعوتش را با امر به پرستش خدا آغاز کرد: «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ» (نوح / ۳)؛ ولی پیامبر اکرم دعوت و تبلیغ خویش را با ملزم کردن خود به اخلاص در عبادت، و نفی شرک از خویشتن آغاز کرده است: «قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا» (جن / ۲۰)؛ من فقط خدایم را می‌پرستم و هیچ چیزی یا کسی را شریک او نمی‌دانم و نمی‌گیرم.

حضرت نوح (ع) پس از اینکه قومش را به عبادت خدا و پاسداشت یاد و نام او فرمان داد، بلافاصله از آنان خواست که از او اطاعت کنند: «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا» (نوح / ۳)؛ ولی خاتم پیامبران معصیت و نافرمانی از خدا و رسول خدا(انه

خودشان به عنوان یک شخصیت حقیقی!) را موجب ورود در دوزخ معرفی کرد: «وَمَنْ يَعَصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا» (جن/۲۳).

حضرت نوح(ع) مطلب خود را بی مقدمه و مستقیم گفت، ولی رسول خدا ابتدا بیان کرد که من یکی از شما و همانند شما هستم که پناهی جز خدا ندارم و به شرط نداشتن شرک و ابلاغ کامل رسالت‌های الهی و عمل به آنها از آتش جهنم بدور خواهم بود: «قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا»؛ و در ادامه از زبان خدا فرمودند: اگر کسانی که سخن خدا را به طور کامل و درست دریافت کرده‌اند، عامدانه و آگاهانه بخواهند بر خلاف فرمان خدا و رسول خدا عمل کنند در عذاب بسیار سخت و طولانی خدا گرفتار خواهند شد [تا درمان شوند]: «قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا .. إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعَصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا» (جن/۲۰-۲۳). بنابراین، مبلغ باید هدایت را به دست خدا بداند و در صدد مطرح کردن خودش نباشد (بابازاده، ۱۳۸). در سورة نوح، نوح نبی ۱۲ مرتبه مستقیم از خود و عملکرد خویش سخن گفته است: «أَنِّي لَكُمْ، اَطِيعُونِي، أَنِّي ... دَعَوْتُهُمْ (۲ مرتبه)، أَنِّي اَعْلَنْتُ، أَسْرَرْتُ، فَقُلْتُ، قَالَ نُوْحٌ، عَصَوْنِي، لِي، لَوَالِدِي، بَيْتِي». در حالی که رسول خدا، سخن خدا و لزوم اطاعت از خدا و احتراز از معصیت او را مطرح می‌کند:

سورة نوح	سورة جن
قَالَ: يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ... وَاتَّقَوْهُ وَأَطِيعُوا (۲-۳)	قُلْ: إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا قُلْ: إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا قُلْ: إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۰-۲۲)
قَالَ نُوْحٌ: رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي (۲۱)	وَمَنْ يَعَصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (۲۳)

۳-۲-۳. تبلیغ مستقیم و نصیحت گونه یا تبلیغ غیر مستقیم و حکیمانه

حضرت نوح(ع) با ایستادگی و پایداری مثال‌زدنی، ۹۵۰ سال قومش را در خلوت و جلوت، در هر کوی و برزنی، به صورت مداوم دعوت کرد و با اینکه می‌دید که مردم با فرو کردن انگشتانشان در گوش‌هایشان و کشیدن لباس بر سر و صورتشان نمی‌خواهند حرف‌های او را بشنوند و او را ببینند، ولی هرگز کوتاه نیامد و به دعوت و نصیحت کردن خویش با صدای بلند ادامه داد به طوری که مردم با دیدن او فرار می‌کردند و از او دور می‌شدند. حضرت نوح(ع) اصرار داشت که مردم از پروردگارشان عذرخواهی کنند تا خداوند از آسمان پیاپی برایشان باران بفرستد: «قَالَ رَبِّ اِنِّیْ دَعَوْتُ قَوْمِیْ لَیْلًا وَ نَهَارًا. فَلَمْ یَزِدْهُمْ دُعَائِیْ اِلَّا فِرَارًا. وَ اِنِّیْ کُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا اَصَابِعَهُمْ فِیْ اُذَانِهِمْ وَ اسْتَغْشَوْا ثِیَابَهُمْ وَ اَصْرَوْا وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِکْبَارًا. ثُمَّ اِنِّیْ دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا. ثُمَّ اِنِّیْ اَعْلَنْتُ لَهُمْ وَ اَسْرَرْتُ لَهُمْ اِسْرَارًا. فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبِّکُمْ اِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا. یُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَیْکُمْ مِدْرَارًا» (نوح/۲-۱۱). عبارات «یا قوم ... اَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَ اتَّقَوْهُ وَ اطِيعُوْنَ ... اسْتَغْفِرُوا رَبِّکُمْ» تداعی‌کننده تبلیغ مستقیم است. اما اساس دعوت پیامبر اکرم بر ابلاغ حکیمانه و عزتمندانه کلام خدا و پرهیز از هرگونه تحمیل و اجبار و تکلف در آن بود: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ لَآمَنَ فِی الْاَرْضِ کُلُّهُمْ جَمِیْعًا اَفَاَنْتَ تُکْرِهُ النَّاسَ حَتّٰی یَکُونُوْا مُؤْمِنِیْنَ. وَ مَا کَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُؤْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ» (یونس/۹۹-۱۰۰؛ نیز نک: صاد/۸۶؛ قصص/۹۲؛ کهف/۲۹)؛ به گونه‌ای که دوست و دشمن برای شنیدن سخن آن حضرت به صورت دسته‌های واگرا به سمت ایشان روی می‌آوردند؛ به این مطلب در سوره معارج، سوره مجاور نوح تصریح شده است: «فَمَا لِلَّذِیْنَ کَفَرُوْا قَبْلَکَ مُهْطِعِیْنَ. عَنِ الْیَمِیْنِ وَ عَنِ الشِّمَالِ عَزِیْنِ» (معارج / ۳۶-۳۷).^۱

۱. عزین: گروه‌هایی چند نفره که بجای همگرایی نسبت به یک محور مشخص، واگرایی دارند؛ مشرکان مکّه نشسته یا ایستاده در قالب چند دسته چنان اطراف پیامبر را می‌گرفتند که پیش از همه آیات قرآن را بشنوند و در ضمن مانع رسیدن صدای رسول خدا به مردم شوند (لسانی فشارکی، «معارج»)

آغاز و پایان واحد موضوعی یکم سوره جنّ بیان گر اهمیت تبلیغ غیرمستقیم است. آغاز آن به گزارش ایمان آوردن گروهی از جنّیان بدون اطلاع پیامبر اختصاص یافته است: «قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ، فَقَالُوا: إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا؛ و پایان آن به این مطلب اشاره دارد که هر زمان پیامبر اکرم به نماز - که خود تبلیغ قرآن بود (ابن هشام، ۳۸۲/۱؛ ابن اسحاق، ۲۰۶) - می ایستادند، مسلمانان برای نماز و مشرکان برای شنیدن قرآن یا جلوگیری از رسیدن صدای قرآن به دیگران به سوی ایشان هجوم می آوردند: «وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا» (جنّ/۱۹). سمرقندی، ۵۰۷/۳؛ ابن ابی زمنین، ۴۵۶/۲؛ شریف رضی، ۳۵۱؛ ماوردی، ۱۲۰/۶). از این رو، شاید بتوان گفت نام گذاری این زوج سوره به نوح و جنّ نیز شایان تدبّر و تأمل است؛ نوح (از ریشه نَاح) اشاره به شیوة دعوت مستقیم حضرت نوح دارد که چه بسا با ناله و زاری و شیون و فغان او همراه بوده است، و جنّ (از ریشه جَنَن) بر دعوت غیرمستقیم رسول خدا، و مناجات و نیایش و ابتهاال درونی ایشان با خدا، و تأثیرگذاری دعوت آن حضرت در اعماق جان انسان ها و پوشیده بودن آثار آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها و نظام هستی اشاره دارد که باید کشف و درک شود. ایمان آوردن گروهی از جنّیان بدون آنکه پیامبر آنها را ببیند یا متوجّه حضور آنان شود افزون بر تأکید مطلب قبلی، این نکته را نیز یادآور می شود که اگر تبلیغ و دعوت به درستی انجام شود اثر خود را مستقیم و غیر مستقیم خواهد گذاشت هر چند به ظاهر و در کمیت دیده نشود.

۳-۲-۴. مخاطب شناسی

حضرت نوح(ع) در تبلیغ و رسالت خویش انتظار داشت، نخست اینکه همه قومش بدون استثنا حرف او را بشنوند؛ دوم آنکه همگان به آنچه او می گوید، ایمان بیاورند و

درست‌کار باشند، بدون آنکه زمینه فعالیت‌های اجتماعی برای درست‌کاری آنان فراهم شده باشد؛ از این رو، وقتی انکار و فرار مردم را می‌دید بر تبلیغات بیشتر با صدای بلندتر اصرار می‌ورزید و زمانی که از هدایت قوم خویش مأیوس شد از خدا خواست بر گمراهی ظالمان بیفزاید و هیچ‌یک از کافران را بر روی زمین باقی نگذارد و یکایک آنان را هلاک و نابود گرداند؛ چراکه به گمان او ظالمان و کافران، بندگان خدا را گمراه می‌کنند و دست‌آوردی جز فرزندان و پیروانی فاجر و کفار (= بسیار ناسپاس) نخواهند داشت (نوح/ ۲۱-۲۴، ۲۵-۲۸). اما نمی‌دانست که برخی از مؤمنان همراه او در کشتی از جمله «اسرائیل» = «مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ» (مریم/ ۵۸)؛ پس از نجات از سبیل، گمراه خواهند شد: «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمِّمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَ أُمِّمٌ سُنَمَّتْهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ» (هود/ ۴۸) و نسل او یعنی «بنی اسرائیل» = «ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ» (اسراء/ ۲-۳) سردمدار کفر و انواع ظلم و فسق و فجور در همه دنیا خواهند شد (رجبی قدسی و اتحاد، ۲۶۶-۲۷۶).

در مقابل رویه فوق، خدا با بیان سرگذشت جنیان در سوره جن که به دو دسته سفیه و رشید (یا مسلم و قاسط) تقسیم می‌شوند، غیر مستقیم به پیامبر خاتم آموخت که در برابر دعوت تو نیز مردم دو دسته خواهند شد که یک دسته از آنان هرگز ایمان نخواهند آورد (کافرون / ۱-۶؛ اسراء/ ۱۰۶-۱۰۷). از این رو، رسول خدا هیچ‌گاه در پی اینکه همه مردم را با فشار و اکراه مجبور به ایمان کند نبود: «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرَ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدَ» (قاف/ ۴۵)؛ «فَذَكَرْنَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ. لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ» (غاشیه/ ۲۱-۲۲) و می‌فرمود: اساس دعوت من بر انتخاب آگاهانه و آزادانه است: «لَا أُكْرِهْ أَحَدًا مِنْكُمْ عَلَى شَيْءٍ، مَنْ رَضِيَ مِنْكُمْ بِالَّذِي أَدْعُوهُ إِلَيْهِ فَذَلِكِ، وَمَنْ كَرِهَ لَمْ يُكْرِهْهُ...» (بیهقی، ۴۱۴/۲ و نیز نک: عبس/ ۱-۱۲)؛ من کسی را وادار به کاری

نمی‌کنم، بلکه دعوت من بر اساس رضایت و علاقه‌مندی اشخاص است، پس اگر کسی اکراه داشت، او را مجبور نخواهم کرد.

رسول خدا با ایمان به اینکه «عَلَّامُ الْغُیُوبِ» فقط خداوند است که بر همه احوال بندگان آگاه و خبیر است: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ احْداً» (جن/۲۶)، هیچ‌گاه در برابر تهمت‌ها و آزار و شکنجه مشرکان و منافقان و کافران به خدا شکوه نکرد و زبان به نفرین و لعن آنان نگشود، بلکه همواره از خداوند هدایت و غفران آنها را خواستار بود (منافقون/۶) و بی‌ادبی آنان را از جهالت و نادانی‌شان می‌دانست و می‌فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْنِي طَعَانًا وَلَا لَعْنًا، وَلَكِنْ بَعَثَنِي دَاعِيًا وَرَحْمَةً، اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (ماتریدی، ۲۸۱/۱۰. نیز نک: قضاعی، ۱۳۷)؛ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (طبرانی، ۱۲۰/۶).

ضرر ظلم آگاهانه و عامدانه ظالمان به خودشان بر می‌گردد و زندگی و شخصیت آنان را تباه خواهد کرد و نیازی به نفرین و آه و ناله و فغان دیگری یا دیگران نیست: «وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا» (جن/۶).

قَالَ نُوحٌ...وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا... وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (نوح/۲۴ و ۲۸)	وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (جن/۶)
قَالَ نُوحٌ: رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (نوح/۲۶)	وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (جن/۱۷)

۳-۲-۵. تبلیغ یا تبلیغات

فراز نخست آیه ۲۳ سوره جن: «أَلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ» نشان می‌دهد که وظیفه پیامبر و مبلّغ آن است که سخن خدا و رسالت‌های او را در کمال صحت به مردم برساند (تبلیغ) که شیوة رسول خدا همین بود؛ اما حضرت نوح(ع) به تبلیغ بسنده نکرد

و با گفته‌های پی در پی و نصیحت‌گونه، به مجادله روی آورد: «قالوا: یا نوحُ قد جادلنّا فاکثرتَ جدالنا» (هود/۳۲). از بیان سوره نوح بر می‌آید که نصیحت مداوم همراه با مجادله نتیجه عکس می‌دهد و مردم را نه تنها به خدا و سخن خدا و رسول خدا نزدیک نمی‌نماید، بلکه آنها را در دام دنیاطلبان و مستکبران قرار می‌دهد و آنان نیز با ترفندهای مکارانه مردم را به بردگی و بندگی خود می‌گیرند و روزگار آنها را تباه می‌کنند (نوح/۲۱-۲۵).

دو فراز «لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدْيَ» و «أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ» حاکی از آن هستند که پیام مبلّغ باید در یک فضای تعریف شده در دسترس مخاطبان باشد، البته نه با فشار و تکیه بر تبلیغات گسترده و پی در پی، بلکه به تدریج و گام به گام تا مخاطبان امکان تفکر و تأمل در آن را داشته باشند (کاوایانی، ۱۴۱). همان‌طور که جنیان در یک فضای آزاد وقتی چند آیه قرآن را شنیدند با دقت در آن به شگفتی و ارزشمندی آن پی بردند و مبلّغ کلام خدا در میان قوم خویش شدند و آن را تبلیغ کردند: «وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ. قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ. يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ. وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (احقاف/۲۹-۳۲).

جالب توجه آنکه در سوره نوح ریشه «سمع» اصلاً به کار نرفته است؛ یعنی زمینه و بستر گوش فرا دادن و استماع و انصات فراهم نیامده است. از این منظر، دو سوره جن و نوح در تقابل یکدیگرند؛ در سوره جن اصرار بر استماع است چه با قصد

۱. «استماع» به معنی «گوش فرا دادن به همراه میل قلبی» است اما «سمع» به معنی مطلق شنیدن است بدون آنکه در آن، «میل قلبی و توجه باطنی»، مدّ نظر باشد (زحیلی، ۲۷/۹).

دریافت آگاهی و هدایت و چه با قصد ماجراجویی؛ ولی سورة نوح اصرار بر نشنیدن و فرار کردن از شنیدن است. پنج بار تکرار ریشه «ق و ل» در سورة نوح، چهار بار به صورت «قال» و یک مرتبه «فقلت» در کنار تعبیر «إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا... إِنِّي كُُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ... ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا. إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا» همگی دلالت بر آن دارند که شیوة حضرت نوح(ع) بر تبلیغات گسترده و پی در پی بنا شده است. اما تکرار پنج باره ریشه «ق و ل» در قالب فعل امر «قل» گویای آن است که پیامبر بسیار سنجیده و حساب شده و به موقع و در مکان و زمان مناسب سخن می گفتند و محور سخنان ایشان بیشتر ابلاغ سخن خدا به مردم و تبیین آن برای ایشان بود (یزدانی، ۲۷۱).

سورة نوح	سورة جن
قَالَ: يَا قَوْمِ ...	قُلْ: أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ ...
قَالَ: رَبِّ إِنِّي ...	قُلْ: إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَ لَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا
فَقُلْتُ: اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ..	قُلْ: إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لَا رَشَدًا
قَالَ نُوحٌ: رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَ...	قُلْ: إِنِّي لَنْ يَجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ
قَالَ نُوحٌ: رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا	قُلْ: إِنْ أَدْرَى أَقْرَبُ مَا تُوعِدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا

در سورة مزمل و مدثر - که اولی سورة مجاور جن است - به خوبی مطلب فوق قابل ردیابی و تبیین است. بر پایه آموزه های سورة مزمل، رسول خدا موظف است که سخن خدا را که به مردم ابلاغ می کند خود نیز بارها و بارها آن را به ویژه در سحر با تأمل و بدون عجله و شتاب بخواند و مرور کند تا هم خود بهتر و بیشتر از مزایای آن بهره مند شود و هم در عمل به آن در طول روز کوشاتر و موفق تر باشد: «يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ. قُمْ أَلَيْلًا قَلِيلًا. نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا. أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا. إِنَّا

سَنُلْقِيْ عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيْلًا. اِنَّ نَّاشِئَةَ اَلَيْلٍ هِيَ اَشَدُّ وَطْئًا وَاَقْوَمُ قِيْلًا. اِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيْلًا» (مزمل / ۷-۱). در سوره مدثر با آوردن رفتار یکی از مخالفان یعنی ولید بن مغیره (قمی، ۳۹۳/۲)، ارزیابی او را از قرآن می آورد تا ارزش تفکر - حتی از شخصی مانند ولید که دشمن خدا و رسول خداست - مشخص گردد: «ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيْدًا. وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُوْدًا. وَبَنِيْنَ شُهُوْدًا. وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا. ثُمَّ يَطْمَعُ اَنْ اُزِيْدَ. كَلَّا اِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيْدًا. سَأَرْهُقُهُ صَعُوْدًا. اِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ. فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ. ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ» (مدثر / ۱۱-۱۹)

آیات «حَتَّىٰ اِذَا رَاَوْا مَا يُوْعَدُوْنَ فَسَيَعْلَمُوْنَ مَنْ اَضَعُ نَصْرًا وَاَقْلُ عَدَدًا. قُلْ اِنْ اَدْرٰى اَقْرَبُ مَا تُوْعَدُوْنَ اَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّيْ اٰمَدًا» (جن / ۲۴-۲۵) نیز اهمیت تفکر و سنجش و فرصت دادن به مخاطب را برای تأمل و دقت بازگو می کند. بنابراین، اگر مبلغ بخواهد همواره یکطرفه حرف بزند آنهم حرف های تکرار شونده بدون آنکه زمینه تدبیر در آن را فراهم آورد، در تبلیغ و جذب مردم موفق نخواهد بود (نک: صادقی اردستانی، ۱۶۹-۲۲۲).

۳-۲-۶. ایجاد پایگاه و ستاد تبلیغ (خانه یا مساجد)

از دو آیه «رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيْ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (نوح / ۲۸) و «وَ اِنَّ الْمَسٰجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوْا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا» (جن / ۱۸) افزون بر اخلاص در بندگی خدا و دوری از هرگونه شرک، این نکته مهم برداشت می شود که یکی از علل موفقیت پیامبر اکرم در تبلیغ دین، ساخت مسجد و گسترش آن یعنی مساجد بود. پیامبر اکرم مسجد را پایگاه اجتماع، عبادت، تعاون، شورا و گفت و گو و گفت و شنود مردم برای اقامه دین قرار دادند تا مسائل مردم و جامعه در آن بر مبنای مشورت و

آموزه‌های قرآن حلّ و فصل شود و مرکزی برای تعلیم و ترویج سخن خدا، قرآن باشد (ابویعلی، ۱۲۹/۷). در مسجد، اخلاص در عبادت و سخن خدا محور است. از این رو رسول خدا با حضوری فعال و خلاق در مسجد برای حلّ مشکلات مردم و حفاظت از کبان جامعه، همواره از هر گونه مسئله‌ای که بخواهد مانع ورود مردم به مسجد شود و یا آن را در انحصار افراد خاصی قرار دهد جلوگیری می‌کردند (حجّ/۲۵). همچنین مراقب بودند که مسجد دچار شرک و انواع آلودگی‌های ظاهری و باطنی نشود و مسلمانان تمیز و مطهر و آراسته و مزین در آنجا حضور یابند: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛ «یا بنی آدم خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف/۲۹ و ۳۱). در حالی که حضرت نوح(ع) منزل خویش را پایگاه قرار داده بود و چه بسا همین مسئله سبب شد عده‌ای به دعوت او پاسخ مثبت ندهند.

۳-۲-۷. استقامت بر طریقه رشد، آری؛ مقاومت بدون نتیجه، خیر

در سوره نوح دو نوع مقاوت بیان می‌شود: یکی مقاومت و پایداری حضرت نوح(ع) در دعوت مردم به عبادت خدا و لزوم استغفار به درگاه او؛ و دیگری مقاومت و ایستادگی مردم در نپذیرفتن دعوت حضرت نوح(ع): «إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا؛ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَايَ إِلَّا فِرَارًا... قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي»؛ اما در سوره جن استقامت مطرح می‌شود: «وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن/۱۶). آیا مقاومت با استقامت تفاوت دارد؟ آیا هر نوع مقاومتی از نگاه قرآن، درست و قابل توصیه است؟ به نظر می‌رسد صرف مقاومت و سماجت، فضیلت و ارزشمند نیست، بلکه مقاومت زمانی فضیلت و ارزش دارد که آگاهانه و هدفمند و روشمند باشد و منجر به نتایج مثبتی چون رشد و کمال و پیشرفت و حرکت شود که در آن صورت نام

آن «استقامت» است. کلمه «الطریقه» در سوره جن بیان گر همین نکته است که وقتی طریق و روش مشخص و شناخته شده باشد، استقامت بر آن منجر به نتایج بسیار مطلوبی خواهد شد: «لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا». برای ارزیابی اینکه مقاومت یک فرد یا یک ملت درست است یا خیر؟ باید به نتایج آن دقت شود. شمار افرادی که به نوح ایمان آوردند بسیار اندک بودند، در احادیث شمار آنها بین ۷ تا ۸۰ نفر ذکر شده است (طبری، ۱۵/۳۲۵-۳۲۷). قوم نوح(ع) به دلیل مقاومت در نپذیرفتن دعوت نوح(ع) دچار خطا و ظلم و استکبار شدند و به همین سبب در سیلاب غرق و هلاک گردیدند: «مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخِلُوا نَارًا» (نوح/۲۵).

نزول سوره نوح، سبب فزونی ایستادگی و استقامت پیامبر اکرم در برابر سرسختی و لجاجت و سرکشی و جهالت مشرکان مکه و بعد از آن، منافقان و یهودیان مدینه شد. زیرا مقاومت ۹۵۰ ساله حضرت نوح(ع) در ابلاغ رسالتش به مردم، بسیار درس آموز و امیدآفرین است و موجب می شود که انسان مؤمن در مقابل سختی ها و فشارها کوتاه نیاید و ناامید نگردد. گرچه قریب به اتفاق قوم نوح به او ایمان نیاوردند و فاسق شدند: «فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید/۲۶)؛ ولی ابراهیم خلیل الله ثمره دعوت ۹۵۰ ساله حضرت نوح(ع) است: «سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ... ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ. وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ» (صافات / ۷۹-۸۳). بنابراین، سوره نوح و جن به مخاطبان قرآن که اسوة حسنه و کامل آنان رسول خداست این آموزه مهم را منتقل می کند که در مسیر تبلیغ دین خدا و دیگر عرصه های زندگی اجتماعی بتوانند از مقاومت حضرت نوح و استقامت حضرت رسول و دیگر مزیت های روش و شیوة خاتم پیامبران کمال استفاده را ببرند تا مانند پیامبر اکرم بتوانند در بندگی خدا و رهایی از شرک و دعوت مردم به خداشناسی، خداپرستی و خدادوستی و اقامه دین در جامعه موفق و مؤید

باشند (لسانی فشارکی، فروردین ۹۸): «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱).

نتیجه

بازخوانی مضامین و ساختار دو سوره نوح و جن حاکی از آن است که ارتباط معناداری میان این دو سوره به لحاظ ساختاری و معنایی وجود دارد که نمی‌توان آن را امری سلیقه‌ای یا تصادفی قلمداد کرد. به لحاظ ساختاری، هر دو سوره مکی و هر دو دارای ۲۸ آیه و دو واحد موضوعی (رکوع) هستند. به لحاظ معنایی، در این زوج سوره می‌توان شیوة دعوت نخستین و آخرین پیامبر خدا را مقایسه کرد. حضرت نوح(ع) با مقاومتی مثال‌زدنی ۹۵۰ سال قومش را به عبادت خدا و تقوای الهی و اطاعت از خود دعوت کرد که جز عده‌ای قلیل به او پاسخ مثبت ندادند و خطاکاران قوم او غرق شدند و بی‌درنگ وارد آتش دوزخ شدند؛ اما ۲۳ سال دعوت حکیمانه و تبلیغ مبارک پیامبر خاتم با برنامه‌ریزی همه‌جانبه («وَ أَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا»، جن/۲۸) سبب شد که بسیاری از انسان‌ها و عده‌ای از جنیان مسلمان شوند و آثار رسالت ایشان همه پهنه گیتی را مستقیم و غیر مستقیم در برگیرد. شیوة دعوت حضرت نوح(ع) مستقیم و با امر و نصیحت‌های پی در پی همراه بود، در حالی که مبنای دعوت پیامبر اکرم تلاوت آیات و تعلیم حکمت و همراهی و همدلی با مردم برای حل مشکلات آنان بر مبنای آموزه‌های کلام خدا و مشورت با آنان بود. از این رو، پیامبر اکرم مسجد را پایگاه تبلیغ و اجتماع مردم برای تحقق اهداف رسالت خویش و تبیین طریقه رشد به مردم قرار دادند و در این مسیر استقامت ورزیدند، ولی منزل حضرت نوح(ع) فقط محل رفت و آمد مؤمنان بود. نوح(ع) وقتی مقاومت قوم خویش را در مسیر ضلالت دید و

از هدایت آنان نومید گردید، هلاکت و نابودی آنان را از خدا خواستار شد؛ در حالی که پیامبر اکرم بدون نفرین کردن، این سنت حکیمانه الهی را تبیین فرمودند که هر فرد و جامعه‌ای که از یاد خدا اعراض کند و در مسیر رشد قرار نگیرد، به عذابی دردناک دچار خواهد شد.

منابع

- قرآن کریم، خط حبیب‌الله فضائی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش، ۱۳۷۲ ش.
- ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله، تفسیر، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
- ابن ابی عاصم، ابوبکر، السنة، تحقیق: محمد ناصر الدین الألبانی، بیروت: مکتب الاسلامی، ۱۴۰۰ ق.
- ابن اسحاق، محمد، سیره (کتاب السیر و المغازی)، تحقیق: سهیل زگار، بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
- ابن حنبل، أحمد، مسند، محقق: شعیب الأرئوط، عادل مرشد وآخرون، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.
- ابن شهاب زُهری، محمد بن مسلم، الناسخ والمنسوخ وتنزيل القرآن بمكة والمدینة، رواية: أبی عبدالرحمن محمد بن الحسین السلمي (۴۱۲ ق)، محقق: حاتم صالح الضامن، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۸ ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر، [تفسیر] التحرير و التنوير، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ابن هشام، عبدالملک، السيرة النبوية، محقق: طه عبدالرءوف سعد، شركة الطباعة الفنية المتحدة.
- ابوداود، سليمان بن اشعث، سنن، تحقیق: شعیب الأرئوط و محمد کامل قره بللی، دار الرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ ق / ۲۰۰۹ م.
- ابوعبید، قاسم بن سلام، فضائل القرآن، تحقیق: مروان العطیة و...، دار ابن کثیر (دمشق - بیروت)، ۱۴۱۵ ق.

۱۳۶ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

- أبوعلی، أحمد بن علی، مسند، محقق: حسین سلیم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ق.
- ایچی شیرازی، محمد بن عبد الرحمن، جامع الیبان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- بابازاده، علی اکبر، شیوه‌های تعلیم و تبلیغ، قم: دانش و ادب، ۱۳۸۲ش.
- بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، محقق: عبدالمعطی قلعجی، دار الکتب العلمیة، دار الریان للتراث، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
- پروازی ایزدی، نرگس، «جن»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، تهران، ۱۳۸۵.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفکر العربی، ۱۴۲۴ق.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، الدعوات (سلوة الحزین)، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی(ع)، ۱۴۰۷ق.
- رجبی قدسی، محسن، حسین مرادی و مهدی غفّاری، آموزش قرآن در سیره نبوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۱ش.
- رجبی قدسی، محسن و سید فرناز اتحاد، «بررسی مقاله "یعقوب" (ع) در دائرة المعارف قرآن لیدن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۳۲، ۱۴۰۱ش.
- رجبی قدسی، محسن و فهیمه ضیاء قریشی، «نخستین پیامبر خدا: آدم ابوالبشر یا حضرت نوح(ع)»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۲۰، ۱۴۰۱ش.
- رجبی قدسی، محسن و زهرا بلندی، «زوجیت سوره‌های قرآن کریم، مطالعه موردی زوج سوره کوثر و ماعون»، تفسیر پژوهی، ش ۱۹، ۱۴۰۲ش.
- زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج. دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
- سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، قم: مؤسسة الإمام الصادق(ع)، ۱۴۲۱ق.
- سمرقندی نصر بن محمد، بحر العلوم، محقق: عمر عمروی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
- سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق.

پیوندهای معنایی زوج سوره نوح و جن / محسن رجبی قدسی ۱۳۷

شریف رضی، محمد بن حسین، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، مصحح: محمد عبدالغنی حسن، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۶ق.

صادقی اردستانی، احمد، روش‌های تبلیغ و سخنرانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش.

صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.

طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، محقق: حمدی بن عبدالمجید سلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیة، ۱۴۱۵ق.

طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، دارالمعرفة، ۱۴۰۸ق.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.

طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ق.

قضاعی، محمد بن سلامه، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم)، مصحح:

جلال‌الدین حسینی أرموی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، محقق: طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۳ش.

کاویانی، محمد، روان‌شناسی و تبلیغات با تأکید بر تبلیغ دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ش.

لسانی فشارکی، محمدعلی و مهدی غفاری، آموزش قرآن به روش پیامبر، تهران: صدوچهارده، ۱۳۹۹.

لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی، مطالعات قرآنی در سیره نبوی، تهران: صدوچهارده، ۱۳۹۸.

سوره شناسی (روش تحقیق ساختاری

قرآن کریم)، تهران: صدوچهارده، ۱۳۹۹.

۱۳۸ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

لسانی فشارکی، محمدعلی، «سیزدهمین کارگاه آموزشی - پژوهشی قصص قرآن، قصّة نوح

پیامبر»، تیر ۱۳۹۷، <https://quranlsn.ir/multimedia/course/?id=3>.

لسانی فشارکی، محمدعلی، «سی‌امین کارگاه آموزشی - پژوهشی تفسیر ترتیبی قرآن با

موضوع سورة جنّ»، دارالقرآن سپاه کرج، ۱۳۹۷ ش.

لسانی فشارکی، محمدعلی، «سی و یکمین کارگاه آموزشی - پژوهشی تفسیر ترتیبی قرآن با

موضوع سورة نوح»، مؤسسه بشارت تسنیم، فروردین ۱۳۹۸.

لسانی فشارکی، محمدعلی، «سی و دومین کارگاه آموزشی - پژوهشی تفسیر ترتیبی قرآن با

موضوع سورة معارج»، مؤسسه بشارت تسنیم، ۲۰ خرداد ۱۳۹۸.

ماتریدی، محمد بن محمد، تفسیر (تأویلات أهل السنة)، محقق: مجدی باسلوم، بیروت: دار

الکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ق / ۲۰۰۵ م.

ماوردی، علی بن محمد، تفسیر (الثکث و العیون)، تعلیق: سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم،

بیروت: دار الکتب العلمیة.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

مطیع، مهدی، «جنّ»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸، تهران، ۱۳۸۹.

معرفت، محمدهادی، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم: التمهید، ۱۳۸۸ ش.

[منسوب به ابن مهران نیشابوری، ۱۳۸۵ ش، خلاصة الوقوف] رسالة فی کتابة المصحف،

تصحیح: محمدرضا شهیدی‌پور و حجت‌الله بیاتانی، مندرج در گنجینه بهارستان ۱۵

(علوم قرآنی و روایی ۳)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

یزدانی، محمود، از تبلیغ کم‌اثر تا تبلیغ پرثمر (مثل پیامبر تبلیغ کنیم...)، مشهد: کتاب شفاء،

۱۴۰۲ ش.

References

The Holy Qur'an, (1993), Habib- Allah Fadaeli's script, translated by Abdul-Mohammad Ayati, Tehran: Soroush.

- Ibn Abi Zeminin, M, (1424) Tafsir, Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya. [In Arabic]
- Ibn Ishaq, M, (1978) Sirah (Book of Al-Sir and Al-Maghazi), Research: Sohail Zakkar, Beirut: Dar Al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Abi Asim, Abu Bakr, (1979), Sunnah, research: Muhammad Nasir al-Din al-Albani, Beirut: Maktab al-Islami. [In Arabic]
- Ibn Hanbal, A. (2001), Musnad, researcher: Shoaib Al-Arnaut, Adel Murshid and Akhroon, Al-Risalah Foundation. [In Arabic]
- Ibn Shihab Zuhri, Muhammad bin Muslim, (1997), The Reproducer and the Abrogated, and the Revelation of the Qur'an in Makkah and Madinah, Narrated by: Abi Abd al-Rahman Muhammad bin Al-Hussein Al-Salami. [In Arabic]
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir, [Tafsir] Al-Tahrir wa al-Tanweer, Beirut. [In Arabic]
- Ibn Hisham, Abd al-Malik, The Prophet's Biography, investigator: Taha Abd al-Raouf Saad, United Art Printing Company. [In Arabic]
- Abu Dawood, Suleiman bin Ash'ath, (2009), Sunan, investigation: Shuaib Al-Arnaout and Muhammad Kamel Qara Belli, Dar Al-Risala Al-Alamiya. [In Arabic]
- Abu Ubaid, Q.S. (1994), Virtues of the Qur'an, investigation: Marwan Al-Attiyah, Mohsen Kharabah, and Wafaa Taqi Al-Din, Dar Ibn Katheer (Damascus – Beirut). [In Arabic]
- Abuyali, Ahmad bin Ali, Musnad, (1404), scholar: Hossein Selim Asad, Damascus: Dar al-Ma'mun for heritage. [In Arabic]
- Eiji Shirazi, Muhammad bin Abd al-Rahman, (1424), Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya. [In Arabic]
- Babazadeh, Ali Akbar, (1382), methods of teaching and preaching, Qom: Danesh and Adab.
- Beyhaqi, A.H. (2002). The Collector of the People of Faith. Arabistan - Riyadh: Al-Rushd Bookshop. [In Arabic]
- Barqi, A.M.Kh. (1992), Al-Mahasen, Dar al-Kutub al-Islami: Qom. [In Arabic]
- Parvazi Ezadi, N. (2015). "Jin", Islamic World Encyclopedia, Volume 10, Tehran. [In Persian]
- Horr Ameli, M.H. (Beta). Al-Wasal al-Shia (Vol. 1-6). Al-Bayt Foundation, peace be upon them, for the revival of heritage. [In Arabic]
- Khatib, A. K. (2003), al-Tafsir al-Qur'an for the Qur'an, Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi. [In Arabic]
- Ravandi, Q.S. H. (1986), Al-Dawaat (Salwa Al-Hazin), Qom: Publications of Imam Mahdi School (a.s.). [In Arabic]
- Rajabi Qudsi, Mohsen, Hossein Moradi and Mehdi Ghaffari, (2013) Teaching the Qur'an in the Prophetic Way, Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian]
- Rajabi Qudsi, M. and Etehad, S.F. (2022). "Examination of the article "Yaqub" (PBUH) in the Leiden Qur'an Encyclopaedia", Orientalist Qur'an Studies, No. 32. [In Persian]. DOI: 10.22034/QKH.2022.7180

- Rajabi Qudsi, M. and Zia Qureshi, F. (2020), "The First Prophet of God: Adam Abul Bishar or Hazrat Noah (pbuh)", Research Journal of Qur'an Interpretation and Language, No. 20. [In Persian] DOI: 10.30473/QURAN.2022.60218.3000
- Rajabi Qudsi, M. and Bolandi, Z. (2023), "The Pairing of Quranic Surahs: A Case Study of the Paired Surahs of Al-Kawthar and Al-Ma'un", Research in Narrative Interpretation of the Quran, No. 19. Doi: 10.22049/quran.2023.27906.1379. [In Persian]
- Zuhaili, W. (1997). The enlightening interpretation of the creed, the law and the method. House of Contemporary Thought. [In Arabic]
- Sobhani, Ja'far, (1421), Concepts of the Qur'an, Qom: Imam al-Sadiq (a.s.). [In Arabic]
- Samarqandi, Nasr bin Muhammad, (1416), Bahr al-Uloom, researcher: Omar Amravi, Beirut: Dar al-Fakr. [In Arabic]
- Seyed Qutb, (1425), In the shadows of the Qur'an, Beirut: Dar al-Sharouq. [In Arabic]
- Sharif Razi, Muhammad Bin Hossein, (1406), Summary of Al-Bayan in Punishment of the Qur'an, revised by: Muhammad Abd al-Ghani Hasan, Beirut: Dar al-Awat. [In Arabic]
- Sadeghi Ardestani, (2018), Ahmad, methods of advertising and speaking, Qom: Bostan Kitab.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad, (1406), Al-Furqan in Tafsir Al-Qur'an with Al-Qur'an and Sunnah, Qom: Islamic Culture. [In Arabic]
- Tabarani, A. Q. (1994), al-Mu'jam al-Kabir, (Reviewer: Hamdi - bin Abd al-Majid Salafi). Cairo: Ibn Taymiyyah Library. [In Arabic]
- Tabatabaei, S. M. H. (2011). The balance in the interpretation of the Qur'an. Al-Alamy Publications Corporation. [In Arabic]
- Tabarsi, F. H. (1987). Statement Complex. Corrected by: Fadlullah Yazdi Tabatabaei and Hashim Rasouli. Knowledge House. [In Arabic]
- Tabari, M. J. (1991), Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Fadlullah, Muhammad Hossein, (1419), Men Wahi Al-Qur'an, Beirut: Dar Al-Malaq. [In Arabic]
- Qadaei, Mohammad bin Salameh, (1361), Persian Commentary on Shahab Al-Akhbar (The Short Words of the Last Prophet), Edited by: Jalaluddin Hosseini Armavi, Tehran: Center for Scientific and Cultural Publications. [In Arabic]
- Qomi, A.I. (1984). Tafsir Qomi. Researcher: Tayyab Mousavi Jazairi. Dar al-Kitab Qom. [In Arabic]
- Kaviani, Mohammad, (1386), Psychology and Propaganda with an Emphasis on Religious Propaganda, Qom: Field and University Research. [In Persian]
- Lesani Fesharaki, Mohammad Ali and Mehdi Ghaffari, (1399), Teaching the Qur'an in the Prophet's Way, Tehran. [In Persian]

- Lesani Fesharaki, M.A. and Moradi Zanjani, H. (2019). Qur'anic studies in the prophetic life, Tehran. [In Persian]
- _____. (2015). Surahology (structural research method of the Holy Quran). [In Persian]
- Lesani Fesharaki, M. A. (2017), "The story of Prophet Noah", "The 13th educational-research workshop on stories of the Qur'an. [In Persian]
- Lesani Shaharaki, M.A. (2017), "The 30th educational-research workshop on sequential interpretation of the Qur'an with the topic of Surah Jinn", Darul Qur'an, Sepah Karaj. [In Persian]
- Lesani Fesharaki, M. A. (2018), "The 31st educational-research workshop on the sequential interpretation of the Qur'an with the topic of Surah Noah", Besharat Tasnim Institute. [In Persian]
- Lesani Fesharaki, M.A. (2018), "The 32nd educational-research workshop on the sequential interpretation of the Qur'an with the topic of Surah Ma'araj", Besharat Tasnim Institute. [In Persian]
- Matridi, Muhammad bin Muhammad, (2005) Tafsir (Tawailat Ahl al-Sunnah), researcher: Majdi Basloun, Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya. [In Arabic]
- Mawardi, A.M., Al-Nokat wa Al-Ayoun (commentary), Researcher: Seyyed bin Abd al-Maqsud Abd al-Rahim, Beirut: Dar al-Kutub al-Elamiya. [In Arabic]
- Majlesi, M. B. (1982), Bihar Alanwar, Beirut: Al-Ofa Foundation. [In Arabic]
- Motie, M. (2009), "Jin/Elf". Big Islamic Encyclopedia, Vol. 18, Tehran. [In Persian]
- Ma'rifat, Muhammad Hadi, (1388), Doubts and Refusals Around the Holy Qur'an, Qom: Al-Tamhid. [In Arabic]
- [Attributed to Ibn Mehran Neishaburi, (1385), summary of the endowment] Treatise in Kitaba Al-Musaf, edited by: Mohammadreza Shahidipour and Hojjatullah Bayatani, included in Baharestan Treasure 15 (Quranic and Narrative Sciences 3), Tehran: Library, Museum and Islamic Council Documents Center. [In Arabic]
- Yazdani, Mahmoud, (1402) from ineffective preaching to fruitful preaching (let's preach like the prophet...), Mashhad: Kitab Shafa. [In Persian]



پروژیکٹ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی